

عالمی از نو بیاید ساخت

شرایط مبارزه کنونی چیست و وظیفه رهبران در این اوضاع کدام است.

خصوصیات جغرافیای سیاسی مبارزه مردم ایران برای انتخاب شیوه های تاکتیکی نهضت و اجتناب از اشتباههای گذشته قابل تامل است مردم ایران از زمان نفوذ استعمار غرب و قرارگرفتن در میان دو امپراطوری مستعمراتی انگلیس و روسیه تزاری در برابر یک واقعیت قرار گرفتند، این واقعیت شکل و هدف مبارزه مردم ایران را از زمان استبداد قاجار تا دوران استبدادی کنونی بطور مداوم شکل بخشیده است.

آغاز مبارزه در جهت گشودن جبهه روشنفکری و آزاد یخواهی قبل از دوران مشروطه و مبارزه دورانی که به انقراض سلسله قاجار منتهی شد به موازات دو محور اساسی حرکت میکرد، مبارزه با نفوذ استعماری امپراطوریهای مستعمراتی انگلیس و روسیه تزاری و مبارزه با گروه خاکه ای که در زیر حمایت مستقیم قدرتهای استعماری بر مردم ایران و توده های ستمدیده مان مستبدانه حکومت میکردند. **بقیه در صفحه ۲**

آغاز جنگ برادرکشی به دست رژیم

رژیم استبدادی ایران را در آستانه یک جنگ برادرکشی قرار داده است اکنون به بهانه برقراری نظم دهها نفر در شهرهای شیراز و اصفهان و مشهد و رفسنجان و قم و اردبیل و قزوین و دیگر شهرهای کشور بدست سربازان ارتش و مابورین انتظامی کشته میشوند. احساد کشته شده را بدون نام و نشان جمع میکنند و بدون اینکه مجال شمارش کشته ها داده شود آنها را خاک مینمایند، سانسور مطلق رژیم با جعل و تحریف اخبار پرده ضخیمی بر روی حقایق اوضاع ایران پوشانده است اکنون اصفهان و شهرهای حومه آن بوسیله حکومت نظامی اداره میشود و پس از کشتار مردم بیگناه در شیراز و اصفهان برقراری نظم و امنیت را بهانه برقراری حکومت نظامی و مقررات فاشیستی بر زندگی روزانه مردم قرار داده اند. رژیم مجال هیچگونه اعتراض و ایرادی بر این سلاخی وحشیانه از مردم بیگناه باقی نگذاشته است مجلس شورای ملی که وکلایش دست نشانده رژیمند بدون تردید اعمال رژیم و برقراری حکومت نظامی را بدون چون و چرا تصویب خواهند کرد، از هم اکنون رژیم مواسات دست نشانده و مزدور خود را نظیر سابقان کارگزاران اتاق اصناف را برای ابراز حمایت از قتل عام مردم بدست مابورین مسلح دولت تجهیز میکند و از هم اکنون سیل نامه و طومار و تلگرامهای دروغی و جعلی برای پشتیبانی از فساد و اختناق رژیم و ادامه کشتار مردم بیگناه برای چاپ در روزنامه های زیر سانسور سرازیر میشود.

ریشه ناراضیتهای مردم در شهرهای ایران چیست؟ چرا تظاهرات مردم و اعتراضهای گسترده آنان بدست رژیم به اختلال نظم و امنیت تعلق میشود؟ برای اینکه رژیم استبدادی ایران تا امروز در زمینه گشایش فضای سیاسی جز دروغ تحویل مردم نداده است برای اینکه رژیم هیچگونه اعتقادی به آزادی ندارد جز توسل به گلوله و مسلسل و کشتار مردم برای ادامه سکوت و اختناق چاره دیگری ندارد. رژیم با اشاعه دروغهای خود **بقیه در صفحه ۵**

درد انشگاه آریامهر

در مصاحبه مطبوعاتی دانشگاهیان گفته شد:

مخالف بیگانه از تعطیل دانشگاه صنعتی حمایت میکنند.

اعضای شورای دانشگاه صنعتی تهران با توافق بیش از صد تن از استادان این دانشگاه صبح روز دوشنبه با گروهی از خبرنگاران داخلی و خارجی دیدار کردند. دانشگاهیان ضمن دفاع از خواسته های قانونی خود دلایل مخالفت دولت و بعضی از مخالف خارجی را با ادامه فعالیت دانشگاه باطل اعلام نمایندگان مطبوعات رسانند. یکی از استادان گفت: مخالفت دولت با اداعه فعالیت ما ناشی از سیاست ضدتکنولوژی ملی است که بوسیله پاره ای مخالف خارجی بویژه مهندسی مشاور بیگانه حمایت میشود. در سالهای گذشته فارغ التحصیلان این دانشگاه کنترل بخش قابل توجهی از صنایع را بدست گرفتند که تلاش آنها مغایر با منافع **بقیه در صفحه ۵**

عوامل ضروری انقلاب اجتماعی

روابط اجتماعی و اقتصادی گروههای جامعه قدرت سیاسی به گروههای محرم و زحمتکش جامعه منتقل نشد و بنیادهای اقتصادی جامعه در اثر این انتقال قدرت به نفع دهقانان و طبقات پیشمدر شهری در گرونگ نگردید، بلکه در قدرت مطلقه پادشاه نیز تغییری بوجود نیامد و به همین علت بود که پسران پایان جنگ جهانی اول و انقلاب اکثر زمانی که

مجموع نظام اداری کنونی جامعه ما و یافتن سیاست اجتماعی آن یادگار دوران گذشته تا سلسله خوانین محلی است، در تغییرات ناشی از نهضت مشروطه با دخالت سیاست استعماری انگلستان هیچگونه تحول اساسی به شکل اصلی نظام اداری و سیاسی ایران بوجود نیامد بنیادهای اجتماعی و اقتصادی بدون تغییر در دست گروههای خاص از مردم شهر نشین که برکرد دولت و هیئت حاکمه حلقه زده بودند باقی ماند؛ اگر قدرتها از این گروهها از بین رفتند قدرت و اختیارات آنها به قشرهای نوخاسته ای منتقل شد. در زمینه انتقال قدرت سیاسی در نهضت مشروطه تقریباً همه گروههای حاکمه دوران استبداد قاجار با موقعیت های ممتاز خود به دوران مشروطه منتقل شدند، مالکان اعم از بزرگ و کوچک بر جای خود باقی ماندند و زارعین زحمتکش نیز با همان موقعیت اجتماعی و اقتصادی گذشته خود بدوران جدید پیوستند، قدرت همچنان در میان طبقه حاکمه دوره استبداد باقی ماند، روابط سیاسی و اقتصادی ایران با استعمارگران نیز بصورت قبلی ادامه یافت، به این ترتیب بود که نهضت مشروطه محکم به شکست پیوست یعنی نه تنها به خاطر درگرونگ شدن

منع خانواده سلطنتی از شرکت در معاملات

از روزنامه نیویورک تایمز آمریکا - ترجمه همایون

تهران - (نیویورک تایمز)

شاه ایران دستور محرمانه ای صادر کرده است که از معاملات تجاری و سودآور اعضای خاندان سلطنتی جلوگیری شود و نیز "مقررات رفتاری" ویژه ای در مورد آنها برقرار شود. محمد رضا شاه بهلولی این تصمیم خود را طی مصاحبه ای فاش کرد و لسی بلافاصله اظهار داشت که تصمیم منسوخ در ایران اعلام نخواهد شد. "ملت ایران به موقع از آن مطلع خواهد شد. آنها کم کم باخبر خواهند شد. این بدین معنی نیست که تغلب هائی صورت گرفته بلکه آنها (خاندان سلطنتی) حق ندارند از مقام خود سوء استفاده کنند به همین مناسبت،

مالین دستورات را دادیم. در اوایل دهه ۱۹۷۰ شاه اعلام داشت که خواست او در این است که صاحبان مشاغل حکومتی از هرگونه معاملات با شرکت های در رابطه با دولت، خودداری کنند. اکنون این درخواست ظاهراً به صورت گسترده تری اعضای خاندان سلطنتی رانیز در برمی گیرد. اگرچنانچه این دستور جدید درست اجرا شود، به طور یقین اثر فوق العاده ای در مردم ایران خواهد داشت زیرا فساد و رشوه خواری بسیار شایع است و بسیاری معتقدند که منشأ و سرچشمه آن دربار سلطنتی است.

عدای از مقامات عالی رتبه دولتسی در جلسات خصوصی اظهار داشتند که به عقیده آنها این دستورات جدید می تواند

عالمی از نو ...

بقیه از صفحه ۱

مهندس میثمی را آزاد کنید

که در اروپا و آمریکا به خاطر محکومیت سجا رانگی و کینزبورگ و اورولوف در روسیه فریب داد اعتراض بر میدارند میخواهیم که اگر در مسیر ریاکاریهای رژیم سیاسی خود قرار ندارند وجود اینهمه سیرحمی و شقاوت رژیم استبدادی ایران نسبت به زندانیان بیگناه سیاسی ایران و مخصوصاً از با افتادگانی نظیر مهندس میثمی ها را بر ملا کنند. حکومت خود را در برابر رژیم که هیچگونه مسئولیتی در برابر افکار عمومی ملت خود احساس نمیکند سنگند.

و جان همه را روشنفکران ایران استادان دانشگاه و روحانیون و بازاریان و همه کسانی که شما در کنار زن و فرزند خود درآوده بر زمین میگذارند در برابر سرنوشت مهندس میثمی ها و طاقچه ها و کاسها و پاکفزاها و منتظری مسئول است.

این وجدان خفته باید در برابر این بیعدالتی سهمگین رژیم از خواب بیدار شود و فریاد خود درهای بسته زندانهای ظلم و ستم را سرری فرزندندان بیگناه ایران باز کند.

مهندس میثمی اکنون در استانبول پنجمین سال محکومیت خویش در زندان استبداد بسر میبرد مهندس میثمی شاگرد ممتاز دانشکده فنی و شاگرد اول این دانشکده بود، عنصری شریف و مبارز و با فصاحت است که گناهی جز مخالفت با استبداد و خفقان ندارد. او پس از دستگیری در زیر شکنجه دزخیمان بازمان امنیت یک دست و یک جشن را از دست داد و اکنون با وضع جسمی دلخراشی گرفتار ناراحتی شدید گشته است، اما ما مورین زندان کوچکترین اقدامی برای درمان او از اینهمه آلام جسمی بعمل نمیآورند، مهندس میثمی نه از طبیعتترین حقوق یک زندانی سیاسی بلکه از حقوق یک اسیر جنگی نیز محروم است، او نمونه یک انسان روشنفکری است که تا کنون صدها نفر از آنها بدست ما مورین سازمان امنیت به قتل رسیده اند و هزاران نفر دیگر در زندانهای رژیم استبدادی بسر میبرند.

ما باین وسیله فریاد خاموش این انسانهای بزرگ و فداکار را بگوش مردم ایران و مردم جهان برسانیم. ما از همه روشنفکرانی



علاوه بر سلطه استبدادی و استعمار نیاز برمی به وحدت و اشتراک معاصر و اتحاد و همچنین شناسائی دقیق شرایط مبارزه و ایمان و صدائق عظمی و صمیمانه به هدفهای مبارزه یعنی رهائی همه زحمتکشان ایران از اسارت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی داخلی و خارجی دارد، اگر چنین مبارزهای با خودخواهیها و تعصبها و خودنروسی های جاهلانه در چارچوب تظاهرات مربوط به رهبری هماهنگی ندارد و اگر همه کسانی که در عرصه رهبری قدم بر میدارند به این اصول ایمان ندارند و هدفشان خدمت به توده های زحمتکش ایران است بنابراین باید با اعتقاد به ضرورت کامل شناسائی شرایط کنونی و صداقت و ایمان به تفرقه و جدائی کنونی با ایجاد نوعی وحدت در عمل و وحدت در سازمان و وحدت در معقنات کلی و اصولی سیاسی و اجتماعی تبدیل سازند. چنین وحدتی با توجه به اختلافاتی که طبعاً در شیوه ها و روشها موجود است سنگ اساسی مبارزه میباشد. اگر این سنگ اساسی با انکا به اعتقاد به مبارزه و صداقت و ایثار و از خودگذشتگی که نیزه است شرکت در هر مبارزه خلقی و ملی است گذاشته شود، هرگونه تلاشی چه فردی و چه جمعی به شکست منتهی خواهد شد. اما این شکست اگر حرکت تبارزه را اندکی کند کند و یا متوقف نماید. اما هرگز نابود نخواهد کرد.

اگر فرد و یا گروهی در پی بدست آوردن رهبری بخاطر رهبریتانسیستد دیریا زود از صحنه مبارزه برکنار میمانند، اگر واقعا و صمیمانه با خفقان و استبداد و بیعدالتی مخالف بگوئیم که رهبری را در خدمت توده ها قرار دهیم و سعی کنیم که زمینه رهبری را برای ورود صاحبان واقعی قدرت، یعنی مردم زحمتکش و کارگران و روشنفکران و نسل جوانی که سرنوشت آینده کشور را در دست دارد آماده سازیم.

آنچه اهمیت دارد اینست که تجربه های گذشته و نتایج آن اعم از مثبت و منفی باید بدروستی و عاری از تعصبهای عاطفی و یا خودخواهیها جاهلانه شناخته شود، آنچه در گذشته مایه موفقیت و یا موجب شکست بوده است باید دقیقاً و با صراحتی جدی مورد ارزیابی قرار گیرد، زیرا نهضت اجتماعی ایران مبرحت از مردم ایران وابسته به سرنوشت و آینده توده های زحمتکش ایران است، این نهضت ملک خصوص هرچکس و هیچ گروه خاصی نیست، کیفیت عمل و نوع رهبری و شناخت عوامل سیاسی و نیازهای گوناگون توده ها و کیفیت برخورد رهبری با نیروهای ارتجاع و گروه حاکمه مخلوق استعمار چیزی است که میتواند مردم ایران را از اسارت استعماری و اختناق و فساد و غارت گروه حاکمه نجات دهد و یا بار دیگر توده های زحمتکش و مستبدان ایران را پس از چند صباحی هرج و مرج فکری که ظاهراً به آزادی تعبیر میشود، همچنان در اسارت گروه حاکمه و در خدمت منافع استعماری قدرتهای جهانی نگه دارد. در این رهگذر هیچ فرد و گروهی نباید از انتقاد بیخبرانه برنجد و نیاید ضرورت گفتگوهای صریح و برخورد جدی عقاید و آرا را انکار کند، هیچ فرد و گروهی نباید خود را وارث منحصر بفرد و بلاسازع نهضت ملی ایران تصور کند و اساساً منطق و شرافتندانه اختلاف عقاید را به جهت زنی و انترا و سازگوشی تبدیل نماید اینگونه روشها و شیوه ها شایسته جنبش ملی با نهضت مردم ایران و هدفهای مشترک مبارزه با استعمار و استبداد بشمار میرود. مسائل پیچیده و مشکلات گوناگون را در دست مسائل سیاسی و اقتصادی ایران

محتوی این شکل مبارزه از خصوصیت داشت در تاریخ اجتماعی معاصر جغرافیای سیاسی ایران سرچشمه ایران حلقه دیگری از این نهضت بود، میگرفت، دورانی که قدرتهای استعماری این نهضت تا امروز خصوصیات تاریخی نفوذ خود را در بافت سیاسی و اجتماعی خود را که مبارزه با استعمار بیگانه و اقتصادی ایران گسترده و ایسرا و قدرت استبدادی گروه حاکمه باشد را از نظر جغرافیائی از شرق و شمال همچنان حفظ کرده است.

غریب و شمال شرقی تجزیه کردند نسل جوان امروز ایران نیز نظیر پس از آن بر منافع زیرزمینی و ثروتها نسل جوان و روشنفکر قبل از دوران و درآمد های آن دست انداختند، خط مشی مبارزه مردم ایران محدود به این دو هدف شد، یعنی رهائی از استعمار و نفوذ بیگانه و استبداد و ارتجاع گروه حاکمه داخلی.

پدران مبارز و مجاهد ما در نهضت مشروطه جز این هدف سیاسی و شیوه های مبارزه تغییر کرده بلکه نداشتند، هدف انقلاب مشروطه نیز ماهیت اجتماعی و سیاسی هدفها نیز جز این نبود که با استقرار یک حکومت ملی و متکی بر قدرت زحمتکشان توده های مستبدان ایران حاکمیت ملی شکل و محتوای تغییراتی که در شرایط را بر اساس استقلال و آزادی بنا کنند. تحول اجتماعی و اقتصادی جهانی پدید نهضت مشروطه در برابر سبیل حوادث و آمده است هماهنگ کرد. در مبارزات ضعف سازمان نهضت و پرنشانسی گذشته همه اقدامات و همه مجاهدتهای شیوه های مبارزه و جایجا شدن قدرتهای جهانی، در جنگ جهانی اول به نفع سیاست استعماراتی انگلیس و تحکیم مبانی قدرت انقلاب اکثر از پا درآمد و انگلستان با استقرار یک رژیم دیکتاتوری در ایران سرنوشت سیاسی مردم ما در دست گرفت، منابع نفتی جنوب ایران را در اختیار گرفت و رژیم دیکتاتوری ایران با قبول قیومیت سیاسی انگلیس در واقع بصورت خد متکرار و مجری سیاست خالق خود درآمد.

به این ترتیب هدفهای اساسی مردم ایران در محدوده خصوصیت جغرافیائی سیاسی کشور بجای خود باقی ماند. رژیم سیاسی ایران بطور مستقیم مخلوق سیاست استعماری بیگانه بود، هدف اساس مردم جزرها نسی از استعمار بیگانه و نظام استبدادی مخلوق آن نبود، جنگ دم جهانی نیز با تمام امید هائی که مردم به تغییر اساسی وضع در ساخت میاسی رژیم بستند بودند تغییر در این هدفها ندادند زیرا خصوصیت جغرافیائی سیاسی ایران همچنان بدون تغییر باقی مانده بود، بیست سال حکومت استبدادی متکی به استعمار بیگانه مردم ایران را از هرگونه نهاد های سیاسی دمکراتیک و پیشرفتهای ناشی از آن محروم کرده بود، و از آن دوران جز حکومت کوتاه دکتر مصدق مردم ایران همچنان در زیر قدرت استعماری بیگانه و حکومت مخلوق آن باقی ماندند و در نتیجه در این دوران نیز مردم ایران از مجلس واقعی و احزاب سیاسی واقعی و از مطبوعات مستقل واقعی و از اجتماعات و اتحادیه های صنفی واقعی محروم ماندند.

انقلاب مشروطه به این ترتیب جزئی از نهضت های اجتماعی و سیاسی مردم ایران در جهت رهائی از استعمار بیگانه و گروه حاکمه مخلوق آن بود و جبهه ملی که در راس آن دکتر مصدق نهرمان مبارزه با استعمار بیگانه قرار گرفت، فراموشی و انزوا خواهد افتاد.

کارشناسان شکنجه ایران در سوریه و اردن

روژنامه معتبر لوموند فرانسه در شماره ۱۲ ژوئن ۱۹۷۸ خود نامه یکسکس از خوانندگان را منتشر کرده که در آن به اعمال فشارند به حرکت سوریه نسبت به مخالفین سیاسی اشاره می کند که چگونه محاسن روشنفکری و جناح بعثت سوریه و آزادی خواهانی که هیچ رابطه ای با احزاب سیاسی ندارند، مورد تعقیب و مامورین دولتی سوریه قرار گرفته اند. نام پسر از شرح بعمل دربارۀ گروه ها و افرادی که جناح های سیاسی و کارگری و روشنفکری و فلسطینی ها اکنون در زندانها مورد شکنجه و آزار حکومت سوریه قرار دارند می نویسد که حکومت سوریه در اعمال شیوه های مختلف شکنجه در زندانهای سیاسی از تجربه همکاران و سرپرست های اطلاعاتی و کارشناسان شکنجه حکومت های در روز نزدیک استفاده می کند و از جمله از چند ماه پیش هشتاد نفر از کارشناسان سازمان امنیت ایران برای تعلیم همکاران سوریه ای خود در اعمال شکنجه و شیوه های بازجویی به دمشق وارد شده اند. در این باره نیز در رساله های از طرف بلیمه تا می رسد شده است که در آنجا کارشناسان آمریکایی

گروه حاکمه همیشه در خدمت شماست

خداوند جعل شد این گروه حاکمه ایران را که برای نجات مردم ایران از طریق خدمت برمانها از همین کاری فرود آری نمی کنند.

قنارخانه داری، بساز و بفروش، آجیو فروش و شرکت در واردات و صادرات و متعلق از رفو اجناس لوکس فروش و کشت و پرورش خشکخاش، کشت میوه و فلاسوس، واردات گندم و جو و برنج و ادا ر و کارخانه های مونتاژ و فروشگاه های مسی و زنجیرهای و بسیاری از کارهای دیگر از جمله خدمات است که خانواده های طبقاتی حاکمه از رأس تا ذیل در جهت افزایش رفاه و آسایش ملت ایران در فعالیتهای بسیارناچیز انجام می دهند.

از جمله این خدمات که با کمبود روزی مردم رابه استفاده از آن دعوت کرد میوند خدمت بی شائبه خانم فرمانروایان است که در طریق، متابعت از سیاست خانوادگی

و به صدق این شعر که ای که دستت می رست کاری بکن

این خدمت بی شائبه در روزنامه کیهان به تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۵۷ منعکس شده بود که نماینده یکر برای تشویق خانم فرمانروایان و مزید اطلاع ملت ایران آن را منتشر می کنیم.

قابل توجه علاقه مندان که مایل به خریداری ویلا و آپارتمان و رابه گذاری در آمریکا هستند، نمایندۀ شرکت آمریکا و خازر میانه با ۲۵ سال سابقه تا تاریخ ۲۰ اردیبهشت ماه در تهران می باشد.

تلفن ۳۱۱۲۳۴ خانم فرمانروایان
تلفن آمریکا ۲-۳۹۱۱۱-۱۲۱-۱۷۴-۳۹۱۱۱

از این تاریخ ملامت در تهران منقضی شده است عدوس خواهیم به تلفن های آمریکا مراجعه فرمائید - جنبش

تیم مجهز کارآگاهان

در روزنامه ها نوشته اند که عدما ی جنایتکار در مدت هشت ماه ۵ نفر همگام را در کارخانه ها کشتند و جسد آن ها را برد و گذر کردند و بولهای آنها رابه سرتست کردند و سزار این که همسگی از ایمن فانتلان ماجرا را فاش می کند تیم مجهزی از کارآگاهان برای تعقیب قضید ستمه کار می شود.

در حکومت استبدادی ساموران برای حفظ امنیت گروه حاکمه در برابر کویکس برسر داندجویان بن گناه جنایتکارانه کوه فرود می آید و آنها را با چوب و چماق مضر و موی مچوم می کند و همین مایه ستم

گرفتند، اما غرب آنچه که در سرزمین غارت شده ایران میدید و میبیند چیزی جز حمایت از دیکتاتوری و فساد و غفلت تروتهای ما نبود و نیست و کویکس میبوینها انسان ساکن این فلات نه انسانند و نه معوس - ارد آید آنها - ارد چیزی کثیف و الوده و بنام نفت است که آن نیز میباید مفت و ارزاق چمن شدن غسربرابه کرد شود و بود

اگر کین بود و نارانسکی ها بیگانه اند و اگر تجاوز حکومت شوروی به حقوق انسانی از نظر غرب محکم است ما نیز

ایران هزاران بیگانه زندانی داریم و ما هم در ایران نژاد وحشیانه ترین و تجارز های رژیم به حقوق انسانی قرار داریم، اگر غرب در اعتراض خودش صادق است، اگر در حقوق بشر میسر است، همراه اشک تصاح برای قربانیان حقوق بشر در شوروی قتلوه اشک هم برای قربانیان ایران و فلسطین و آفریقای جنوبی و رود نیازی و هزاران قربانی بیگانه در شیلی و آرژانتین و اورگوئه و اندونزی و زانگاندا و قربانیان سایر رژیمهای جبار و خون آشام افریقای و آسیای و آمریکای لاتین بریزد.

داستان سانسور در برزیل و ایران

عربی در سانسور و سانسور در برزیل و ایران. سانسور و سانسور در کتاب و کتاب در برزیل لغو شد. جالب این است که در برزیل سانسور فقط در مورد سه روزنامه اعمال می شود و در برزیل این سانسورهای اعمال می شود و سال شش ریاست جمهوری ژنرال کبزیل ضیق فرمان اولوغو شده بود. سانسورهای مذکور یعنی ترمینول و امپوزا و اورا و سانسور و اوروی یعنی ترمینول پس از ترمینول سانسور آزاد شدند.

به متابعت این اقدام بهترین روزنامه بارشخت برزیل یعنی دیرنال اوبرازیل تاریخ ۲۴ بهر روزی سانسور را از سال ۱۹۶۸ در برزیل به تعدیل منتشر کرد و مواردی از این سانسور بخبر جریته آوری با کیفیت سانسور ایران همراهمی دارد. به عنوان مثال روزنامه برزیلی متن دستور اجرا پ کرده است که در آن به مضبوطات دستور داده شده است که از انتشار خبر شیوع بیماری صوری منفریت در سال ۱۹۷۴ خود داری کنند. و این منوعیت خود موجب ناآگاهی مردم و اتحاد تدابیر پزشکی و احتیاط از طرف آنهاست. این داستان ما رابه یاد شیوه های سانسور حکومت ایران می اندازد که چگونه از انتشار خبر شیوع ویلا در ایران و یا جاری شدن سیل در کبزان جلوگیری می کند و همین ناآگاهی مردم خود چه نتایجی به بار می آورد. در مثال های مربوط به سانسور در برزیل روزنامه مذکور می نویسد از جمله خبر در ویلا در بیان شدن یک

انسور روی دریایی در سانسور و انور رئیس چه در برزیل ژنرال کبزیل رئیس سانسور شد و در سانسور و انور رئیس جمهور برزیل در برزیل سانسور شد و هم چنین در سال ۱۹۷۴ طبق دستور سانسور روزنامه آغاز انتشار تفسیرهایی که مردم رابه خوردن گوشت تازه تشویق کند و آنها را از مصرف گوشت یخزد و صرف سازد و معصومندند. مسئله مهم این است که حکومت برزیل نیز کار خود را در نظامی تشکیل می شود و رابه قدرت ترس شکنجه و استبداد و حقتان است و از این حیث در جهان شهرت به کمال دارد. سانسور مضبوطات را بکنی لغو کرد ولی ایران سانسور نه تنها همچنان برقرار است و نه تنها در آغاز حکومت امیرگسار دستورهای تازه و مضحکری در تشدید سانسور مضبوطات صادر کرد بلکه در آخر روزنامه های بزرگ تهران نیز کله اخبار و تفسیرهای سیاسی به میل دولت و به طرز مکرر می از طرف مسئولین سانسور چون و تبدیل و حتی ساخته و پرداخته شود و البته روزنامه رستاخیز از آن حزب فراگیر از این مسئله مستثنی است که خود اصولاً زبان حال حکومت است ولی بخان هتکات آن از خزانه مردم ایران برداشتی شود. وزیر سابق این سانسور است که آقای امیرگار می گوید دولت مزه آزاد می قلم و بیان احترام می گذارد و سازندگان جناح های حزب حرف از حقوق مردم برای آگاه شدن از حقایق می زنند!

ایران تنها فروشنده نفت به آفریقای جنوبی

سازمان ملل متحد گزارشی را منتشر کرده است که بوسیله د و نفران کارشناسان اقتصادی انگلیسی تهیه شده است. برنارد روز و مارتین بیل در این گزارش می نویسند که اگر وسایل به آفریقای جنوبی نفت نرسد اقتصاد رژیم نژاد پرست رژیم برنارد روز خواهد آمد. طبق این گزارش رژیم آفریقای جنوبی ادعا می کند که از انرژی نفت به نیاز است و فقط ۲۰ درصد از نیاز زمین ها را در زمینه انرژی بوسیله نفت تأمین می شود.

ولی همین ۲۰ درصد نفت نیز برای اقتصاد جنگی آفریقای جنوبی جنبه حیاتی دارد زیرا حمل و نقل وسایل نظامی و پلیسی آفریقای جنوبی علیه جنگجویان نهضت آزادی سیاهان بوسیله نفت انجام می گیرد. تنها کشوری که نیازمند بیگانه آفریقای جنوبی را (به میزان ۹۰ درصد از کل واردات) تأمین می کند ایران است.

دولت ایران ظاهراً ادعا می کند که آفریقای جنوبی خریدار نفت ایران از کشور است و بعضاً ارتباطی ندارد بول آید دولت ایران نمی تواند کسرسیم را وارد کند که نفت ایران رابه رژیم وحشی نژاد پرست آفریقای جنوبی که دشمن آزادی و حقوق انسانی سیاهان است نفروشد؟ اگر دولت ایران این اختیار را دارد چگونه چندی قبل اعلان کرد که از آفریقای جنوبی خواسته است که از تحویل نفت از داتی ایران به رژیم نژاد پرست رودزیا یعنی آقایان سبب باغارا قای فرورتر خود داری کند؟

آیا در سال قبل که وزیر کشور آفریقای جنوبی پس از دیدار از اسرائیل به تهران آمد دیدار او از ایران خود با ادعای دولت ایران مبنی بر مخالفت با سیاست نژاد پرست رژیم آفریقای جنوبی و طرفداری از حقوق سیاهان منافات داشت؟

اشک تمساح غرب در درونای آزادی

وثنی ناراستیان شوروی توتید و به محاکمه کشید می شوند به سبب اعتراض از سوی محافل اجتماعی و سیاسی و مطبوعات غرب به جریان می افتد و انجمن های بین المللی امضا جمع میکنند و برزید ملت کارتر اعتراض میکند، انگلیسها دید و ساز دید و زاری خود را از روسیه متوقف میبازند و سوسیالیستها به ناله در می آیند و بساط اعظم تقاضای بخشش میکند!

شارانسکی و کین بورگ از چنین حمایتی از سوی غرب برخوردار میشوند، اما این صیادی اندر تر از غریب هنگامی که جوانهای بیگانه ما در زیر شکنجه های هولناک مامورین ساواک نهاد میکنند، چرا خاموش بود؟

و اکنون که جوانان بیگانه ایرانی در زندان اصفهان بنا بد شتر مامورین استگانی دولت مورد حمله قرار میگیرند و زنان بیگانه ایرانی در زندان قزوین در

چماق مامورین گارد مچوم و مشروب میبندند و ساعتها گرسنه و تشنه در زیر انتصاب سزبان تابستان در حیاط زندان سزا نگه داشته میبوند چرا صدای اعتراض غریب همچنان خاموش است؟ آیا کیفیت ظلم و شقاوت در محدوده های جغرافیایی جهان تفاوت دارد؟

آیا سرنویست شارانسکی ها و کین بورگ ها از سرنویست طالبانی ها و منتظرها و هزاران جوان بیگانه و شکنجیده که در گوشه زندانهای ایران زنده و بگور شده اند بهتر است؟

در مدت بیست و چهار سال هزاران جوان بیگانه ایرانی در زیر وحشیانه ترین شکنجه های که فرور و سطی ان را بیباد ندارد فریاد کشیدند و حتی پدران و مادرانیکه چهار پنج فرزندشان بدست دوحیمان رژیم تیرباران شده بودند به جبر محکم شدند و در زیر شکنجه قرار

اخراج طاهره صفارزاده

رژیم ضد آزادی در حالیکه دم از فضای باز سیاسی و آزادی بیان و اندیشه میزند، لحظه‌ای از ضربه زدن به آزادیخواهان در تمام جهات دست برنمی‌دارد. تصفیه دانشگاهها از عناصر ملی یکی از جدی‌ترین برنامه‌های حکومت است.

طاهره صفارزاده شاعر بزرگ و استاد تمام وقت دانشگاه ملی را به دستور سازمان امنیتی بیکار کرده‌اند. طبق خبری که به ما رسیده است مقامات دانشگاه به علت احتیاج بوجود آید استاد تا مدتی در مقابل تقاضای اخراج او مقاومت کرده‌اند ولی عوامل سازمان امنیتی و رژیم، مقاومت دانشگاه را در هم شکسته‌اند.

حکومت فاسد ایران باید بداند که بیست و برکنار کردن استادان، نه خواهد توانست در عزم آنان خللی وارد کند و نه خواهد توانست از سقوط محتوم خود جلوگیری نماید.

مقاومت استادان دانشگاه صنعتی آریا مهر و پشتیبانی دانشجویان و مردم ایران از آنان نمونه‌ای است که رژیم را در مقابل روشنفکران آزاد فکر به زانو در خواهد آورد.

فردا که سال تحصیلی دانشگاهها شروع شود خواهیم دید که کلاسهای وجود طاهره هاشمی میل نخواهد شد.

منع خانوادگی سلطنتی ... بقیه از صفحه ۱

تصمیمات شاه، احتمالاً همچنان تردید نخواهند داشت مگر این که تغییراتی در روش نظام خود بینند و ولی یکی از وزیران گفت ضرورت اینجاب می‌کند که این تصمیمات به اراکین صورت گیرد زیرا اعلام این موضوع مرد در انشوی می‌کند که مرد استاد و اجحاف بر مدی کند، و در این کار شجاعت ناراحت کننده است.

ثروت های چشمگیر در سطح بالای اجتماع به علت تعداد زیاد و روز افزون اعضای خاندان سلطنتی (در حال حاضر بیش از ۶۰ نفر) سوز نیز به خاطر از یاد ناکهانی ارزش نفت که پول فراوانی را در دسترس قرار داد، آشکارتر شده است. یکی از مقامات بانک مرکزی گفت که «ما یک شبه انبوهی میلیونر بوجود آوردیم» البته این در مورد ثروت های قانونی است که تحت شرایطی ظالمانه و ابدال ایجاد شده‌اند ولی باین همه فاصله میان رشوه خواری و یاد اش خدمات مشروع تجارتی بسیار تیره رنار است.

به گفته مقامات، دستورات اخیر فقط شامل شرکت های جدید در خواست های جدید عضویت از طرف افراد خانواده سلطنتی است. مقررات فتاری این طرح را قرار است امیر عباس هود نخست وزیر سابق تهیه کند. یکی دیگر از مقامات اظهار داشت که «علاهی جزی. موجود در میان گیری از معاملات جزی. قصدی برای جلوگیری از آنها هم باید زندگی کنند آنها نمیتوانند گواهی کنند. اعضای خاندان سلطنتی از داشتن مشاغل دولتی قانوناً ممنوع هستند»

بلکنام دیگر افزود: «آنها هم بالاخره باید کاری داشته باشند، باین علت است که وارد معاملات می‌شوند»

باج و کبری از معاملات نادرست و ناسالم و نیز اراکه سرفشی برای قشرهای پائین تر، تغییرات فاحشی را بوجود آورد (در سال های اخیر) چند مورد انفصال و حکامه رشوه خواران وجود داشته است اما عکس العمل مردم این بوده که این تبلیغات را از زمانی که در مورد افراد برجسته صورت گرفته نمی‌توان جدی گرفت.

هیچ کس بعد از آنکه ثروت و اندوخته اعضای خاندان سلطنتی و اطرافیان آنها به چه مقدار رسد و پس در شایعات تهران از «میلیاردها دلار» و نیز معاملات جدید سخن می‌رود. محدوده گسترده معاملات که در انحصار دولت است از یک سو و توانایی بیوزگراسی عدلیم و بیچیده در اوکداری و با عدم و بگذاری جواز و اعتبار به بازگان از سوی دیگر، امکانات فراوانی را برای سود جویی فراهم می‌آورد.

برای اجرای دستورات مزبور از وزیران و مقامات از مقامات برجسته خواسته شده تا هرگونه توصیه اعضای خاندان سلطنتی را در مورد معاملات و کارهای تجارتی مستقیماً بعد از ترخیص شاه اطلاع دهند. یکی از وزیران معتقد بود که این روش موثر نخواهد بود. زیرا اکثریت قاطع مالیم که ناظر و شاهد اجرای آن باشند.

باین که شام دستورات مزبور را در متن برنامه های محتاطانه آزادی سازی خود نیارده است، عدای معتقدند که کنترل رشوه خواری و فساد در مورد مقامات عالی یکی از عوامل اساسی طرحی است که برای اصلاح تدریجی ملاحظه کارانه رژیم خود گام به کار گرفته شده است. یک منبع موثق اظهار داشت که: «رژیم خود گامه برای حمایت و پشتیبانی از فساد ساخته شده بود»

ایرانیان حتی پس از برولاشدن

عوامل ضروری انقلاب ... بقیه از صفحه ۱

انگستان در صحنه سیاست استعماری ریخت. آرژانتین ظفر نمون تلاش شد، خود در ایران یکم تاز شده بود. سیاست استبدادی دیکتاتور نابرد شد اما اتحاد کودتای ۱۲۹۹ طومار مشروطه همه چیز مثل گذشته بجای خود باقی و همه آثار ظاهری آنرا در هم بیچید ماند. قدرت استعماری انگلستان به در دوره بعد از کودتا نیز چیزی اضافه آثار نمود تازه امریک و در زمینه روابط اقتصادی گروههای قدرت گروههای حاکمه در روستاها و اجتماعی ایران تنبیر نکرد، آنچه که شهرها و در نهاد های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ادامه یافت.

تغییر کرد استقرار یک رژیم مستبد و مطلق العنان در زیر پوشش یک مرکزیت شدید اداری بود.

روابط مالک و دهقان و روابط منطبق گروههای شهری با یکدیگر همچنان مثل گذشته باقی ماند. و در مجموع این روابط رژیم حکومت میکرد که علاوه بر حفظ منافع بیگانه و مخصوصاً انگلستان گروههای حاکمه و صاحبان امتیازات اقتصادی و اجتماعی را نیز در کف حمایت خود گرفته بود.

نظام حاکمه بعد از کودتای ۱۲۹۹ نه تنها از نظر قدرت استبدادی بد روز سلطنت قاجار بازگشت و از روز اول همه مظاهر مشروطه نظیر مجلس و روزنامه های آزاد را در بند کشید. بلکه خود تیغ بصورت یک از بیوزگراسی سلطنتی کلان و فتود الهای دوران قاجاریه درآمد.

کلیه املاک و اراضی نیروی مازندران از گران تا لنگرود با زیر و حبس و شکنجه از ملکیت صاحبان اصلی اخراج شد و بنفع شاه سابق ضبط گردید. گروههای انبوهی از صاحبان حرف نظیر بنس و نجار و هنرگر با اضافه مرتب عادی و غیره کارگر برای ایجاد ساختمانهای جدید در املاک اختصاصی به بیکاری کشید شدند. به این ترتیب بود که نظام پس از کودتا همراه با کلیه بنیاد های کهنه دوران قاجار نه تنها قدرت طبقه حاکمه را از بین نبرد، بلکه بخاطر استقرار مرکز اداری در سراسر مملکت از زانده امری و تخفیه مظاهری بوجود آورد که مردم کشور را از ترس و رنجت به خاموشی کشاند. مالکان با همدستی پیا ماموران ژاندارمری و سازش با مقامات اداری شهری همچنان بر زندگی دهقانان مسلط بودند. روابط اجتماعی در شهرها بر همان سیاق گذشته ادامه داشت و نظام آموزشی کشور وظیفه ای جز تربیت افراد نوکر باب برای نشستن در پشت میز ادارات دولتی و اضعاف کور کوران از سیستم اداری کشور نداشت همه چیز در مرکز برای تسهیل غارتد از املاک اختصاصی در مازندران و شمال اختصار داشت و در سیاست عمومی کشور آرامش قبرستانی برای ادامه استحصالی نفت از طرف انگلیس هدف اصلی رژیم بود و در محور این سیاست هشتی از تبلیغات دروغ و پست پرستی در اطراف شخصیت و نبوغ قائد کودتا از طریق پرورش افکار گدائی در فکری ذهن جوانان سرخ داده شد. به این تصور که از طریق این نوع تبلیغات دروغ بهشتی را بجهش کنند که به از جهتم دوران گذشته ایران بوجود آمده است اما این بهشت خیالی همانطور که میدانیم در واقع شهرت ۱۲۲۰ در روز سربازان بیگانه به ایران به آسانی نیرو

بطور خلاصه هر و مرجی بوجود آمد که ناشی از در هم شکستن سطوح ظاهری دیکتاتوری بود، زیرا دیکتاتوری ۴۰ ساله ناشی از کودتا و سکوت و استبداد و خفقان و سانسور چیزی نبود. نیا فرجه بود صحنه زندگی سیاسی مردم ایران بطور مطلق از فعالیتها ی خلاق و برخورد عقاید و آرا و انتخابات آزاد پارلمانی و انجمنهای شهری و مطبوعات آزاد و بحث و گفتگوهای انتقاد از مسائل اجتماعی خالی بود و در این خلاصه طبعاً آنچه که پس از در هم ریختن بساط دیکتاتوری بوجود می‌آید در غیاب یک انقلاب واقعی اجتماعی چیزی جز هر و من نخواهد بود. این هر و من به دوران تازماری از امید مردم در مسیر مانی شدن صنعت نفت منتهی شد ولی بنیادها و اساس اجتماعی و اقتصادی جامعه ما همچنان در روابط کهنه با استعمار و گروههای ارتجاعی و مالکین بزرگ اراضی باقی ماند و در کسر حدق در کشمکش با استعمار انگلستان و ایادی داخلی و محافل ارتجاعی حاکم در مدت کوتاه حکومت خود هرگز مجال برداختن به مسائل اساسی درگزونی بدست نیارود.

آنچه بود یکسره در کودتای ۱۳۲۲ و پس از سقوط دولت قانونی، صدق بر جای خود باقی ماند، حکومت مطلقه دیکتاتوری با اضافه گروههای حاکمه و مالکین بزرگ و کوچک و روابط کهنه اقتصادی در سطح شهرها و روستاها و بهره‌کنشی از نیروهای کار کارگران و دهقانان و ضروری بردن اشکال سیاسی حاکم بر این روابط.

انتقال مالکیت اراضی به دهقانان همانطور که میدانیم نه تنها روابط فتود الهی مالک و دهقانان را بصورت تازماری به شهرها منتقل کرد بلکه اصل کشاورزی و تولید و تولید زراعی کشور را نیز به نفع بیگانگان و به نفع سرمایه‌گذاران بین‌المللی در داخت کشور و دلالات آن از بین برد. بطور خلاصه بنیاد های کهنه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی دهقانان باقی ماند، تغییر حاصله از این همه تبلیغات دروغ در این سالهای اخیر این بود که گروههای تازه‌ای از سرمایه داران و مقادله کاران و صاحبان کارخانه های صنعتی، مونتاز و شرکت های بزرگ تجاری و مالی و صنعتی در شهرها بوجود آمدند که قدرت غارتگری و چپاول و استبداد آنها از نیروی کار کارگران و

در حقیقت این چپاول بیسرو و کج و از قدرت مالکان اراضی مزبور در گذشته میباشد.

این بحث ادامه دارد.

این صاحب را علی اصغر حاج سیدجوادی پاسخگوئی کرده و ضمن پاسخ به تجزیه و تحلیل دقیقی از مسائل پرداخته است که به عنوان نشریه سیاسی شماره ۷ "جنبش" آن را منتشر کرده ایم.

نشریه سیاسی شماره ۷ "جنبش" را بدست آورید و مسائل مطرح شده در آن را با دیگران به بحث گذارید.

در دانشگاه آریامهر

کارشناسان بیگانه بوده است. این افراد با حقوقهای کلان ماراتاراج میکنند یکی دیگر از استادان به مقررات دمکراتیک دانشگاه صنعتی و پیوند عمیق استاد و دانشجو اشاره کرد و گفت: در دانشگاه ما تمام تصمیمات جمعی است و استادان و دانشجویان در تصمیم گیری شرکت دارند. هدف مسئولان دولتی مقابله با این مقررات و از بین بردن ضوابط دمکراتیک است. وی به مقررات دانشگاه صنعتی اصفهان و تصمیم گیریهای فردی که از طرف مسئولان این دانشگاه اعمال میشود اشاره کرد و گفت: در سال جاری ۶۵۰ تن از ۸۰۰ دانشجوئی دانشگاه صنعتی اصفهان بنا به

بقیه از صفحه ۱

میل مسئولان دولتی اخراج و برای مدتی از تحصیل محروم شدند. یکی از استادان به ملاقات اخیر خود با نخستوزیر اشاره کرد و گفت: هدف مقامات دولتی از ترتیب دادن این ملاقات نشان دادن در باغ سبز به استادان و به نحوی خریدن آنها بود غافل از اینکه آنچه ما را درخواست کرده ایمان مقاومت میکند ارتباط خلل ناپذیر با ملت و حقوقیایمال شده آنهاست. وی با اشاره به اظهارات نخستوزیر که خواهان ادامه فعالیت دانشگاه در دوره های فوق لیسانس و دکترا شده بود گفت: صنعت مونتاژ نیاز به دکترو فوق لیسانس ندارد. ما

اگر بتوانیم از تجربیات و مطالعات مهندسی استفاده کنیم "شاهکار کرده ایم" وی به بودجه های سرسام آور دولت در زمینه های مختلف و از جمله بودجه ۵۰ میلیارد تومانی نیروگاههای اتمی بوشهر اشاره کرد و گفت: در حالیکه دولت ثروتهای ملی را بی تدانم کاری و بخاطر خوشایندی محافل بیگانه به تاراج میدهد چطور از پرداخت بودجه ناچیز دانشگاه صنعتی عاجز است!

در گفتگوی استادان دانشگاه با خبرنگاران، مسائل مربوط به دانشگاه و فعالیتهاى مستمر استادان و حمایتهاى طبقات مختلف مردم از خواسته های قانونی آنها مطرح شد. دانشگاهیان ضمن گلایه از قطع اخبار مربوط به دانشگاه در مطبوعات فارسی ضمن بیانیه ای به رسالت و وظیفه خطیری که روزنامه نگاران به عهده دارند یادآور شدند. در قسمتی از بیانیه چنین آمده است: "از زمان انتشار بیانیه دولت و موضع ضد نقیض و غرض آلود آن در مورد این دانشگاه بیش از سه هفته میگذرد. در این مدت نظریات ما چه از طریق بولتن هفتگی و چه از طریق تماسها و مباحثه های محدود در اختیار مطبوعات قرار گرفت. در عین حال در طول این سه هفته در هیچیک از روزنامه های (کیهان، اطلاعات آیندگان و رستاخیز) هیچ نکته و یا خبری که مربوط به جواب ما به بیانیه باشد دیده نشده است.

سکوت یکدست و سه هفته ای مطبوعات فارسی زبان در ایران از جهت برابریان موجب سوال شده است: اول اینکه با توجه به علاقه و افکار عمومی به اطلاع یافتن از سرنوشت این دانشگاه چرا روزنامه ها مسئولیت بزرگ خود را در مقابل مردم فراموش کرده اند و آنها را در بیخبری و احيانا "تحت تاثير" تبلیغات عوام فریبانه دولت نگاه داشته اند. دوم اینکه در قبال نظریات و بیانیه دولت تسهیل روزنامه نگاری حکم میکرد که حتی صرف نظر از علاقه مردم به مطلب، جوابیه طرف مقابل نیز منعکس شود. سوال ما اینست که در "فضای باز سیاسی" مورد ادعای دولت چرا باید اذهان عمومی را در باره اوضاع و احوال این دانشگاه "بسته نگاه داشت؟"

بدنبال اعتصاب دانشگاه صنعتی آریامهر، از اردیبهشت گذشته حقوق اعضا هیئت علمی این دانشگاه قطع و عده یی از استادان اخراج شدند. این اعضا و استادان علت اخراج و قطع حقوق خود را از آقای مهراڻ رئیس دانشگاه صنعتی پرسیدند. پاسخ شنیدند که قطع حقوق اعضا هیئت علمی و اخراج استادان طبق دستور مستقیم نخست وزیر است. نخست وزیر در ملاقاتی که روز ۲۲ تیر ۵۷ با عده ای از دانشگاهیان داشت منکر قضیه شد و خدا را شاکه گرفت که رجوع از این جریان بیخبر است. اخراج و قطع حقوق دانشگاهیان

آغار جنگ برادر کشی

بقیه از صفحه ۱

بوسیله روزنامه های زیرسانسور و رادیو و تلویزیون دولتی ماههای طولانی مردم را فریب داد، در حالیکه هزاران جوان بیگانه بجرم عقاید سیاسی در زندانها سربمیرند، در حالیکه دهانها و زبانها قلمها همچنان در بند سانسور و اختناق است و در حالیکه فساد و دزدی همچنان بر سرتاسر سازمانها دولتی حکومت میکند و تورم و افزایش مدام هزینه زندگی و بیکاری و فقر اکثریت توده های زحمتکش مردم را از پا در آورده است.

در حالیکه میلیونها میلیون ثروت مملکت بدست گروه و وابستگان آنها از کشور خارج میشود، تبلیغات رژیم با لفاظی دروغ خیز آزادی سخاوت بخرج میدهد و در همین دوره از دروغ پراکنیهای رژیم درباره آزادیست که وعده آزادی انتخابات آینده را میدهند، در اینصورت آیا اعتراض مردم و فریاد نارضایتی آنها از اینهمه دروغهای بیشرمانه را میتوان اعمال مخالف نظم و امنیت عمومی نامید؟ آیا مردم بلادفاع که با چشمهای باز فساد و اختناق و دروغ و خشونت و قتل عام هموطنان خود را میبینند چاره ای جز ادامه اعتراض دارند؟ آیا رژیم میخواهد وانمود کند که مملکت در آتش ناامنی و بی نظمی میسوزد و چاره مقابله با آن کشتار مردم و گلوله باران کردن کسانی است که دست به اعتراض بر میدارند. چاره مقابله با اعتراض برقراری حکومت نظامی و تحمیل مقررات فاشیستی بر زندگی روزانه مردم است یا برقراری حکومت نظامی مردم را بدون اجازه محکمه گروه توقیف کرد آنها را به زیر شکنجه کشید و سپس تسلیح دادگاههای نظامی کرد و آنها را بجرم اخلال نظم علیه امنیت عمومی به سبیلها زندان محکوم کرد.

رژیم میخواهد با دامن زدن به بی نظمیها همان عملی را انجام دهد که در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و در ۱۵ خرداد ۱۳۴۱ مرتکب شد.

یعنی مملکت را در هرج و مرج مصنوعی بیندازد و پس از آن بعنوان نجات دهنده دست بکشتار و توقیف و شکنجه مردم بزند و همه صدها و اعتراضها را به این بهانه خاموش کند. رژیم در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به بهانه نجات کشور از کمونیسم و در ۱۵ خرداد ۱۳۴۱ به بهانه نجات مملکت از ارتجاع صدها نفر بیگناه را کشت و هزاران نفر را به زندانهای طولانی محکوم کرد و با موجی از شکنجه و خشونت مالهای دراز ثروتهای مملکت را غارت و راه پیشرفت جامعه را مسدود کرد و آزادی مردم را نابود نمود و امروز در کار تهیه حیلۀ تازه ایست تا به بهانه جلوگیری از هرج و مرج موج تازه ای از کشتارهای وحشیانه برآورد.

مردم باید با هوشیاری حیلۀهای تازه ای را که رژیم برای سرکوب مردم در کار تعبیه آنست بشناسند، از تشقت و تفرقه بپرهیزند. رژیم ایران که دشمن قانون و حرمت آزادیها و حقوق قانونی مردم است اکنون تکیه گاهی جز سرنیزه و گلوله ندارد. این جنگی که رژیم برای انداختن است جز برادر کشی و قیمت آزادی اکثریت افراد کشور از هر طبقه و از هر صنف و در هر شغل مفهوم دیگری ندارد.

این جنگ برادر کشی هیچ قانون و ضابطه ای، جز زور و استبداد و اراده مطلقه فردی حکومت نمیکند، اینگونه کشتارهای دسته جمعی بدست سربازان و مامورین مسلح دولت از مردم بیگناه در هیچ مرجع قانونی واقعی گناه نمایندۀ حقیقی مردم باشد به تصویب نرسیده است بنابراین کلیه اقدامات و تصمیمهای حکومت در ادامه کشتار و اعمال خشونت به بهانه برقراری نظم و امنیت غیر قانونی است و هر مقام دستور دهنده و اجرا کننده باید مسئولیت این کشتارها و گلوله باران کردن مردم را برعهده بگیرد. نمایش تبلیغاتی رژیم برای اینکه مردم را پشتیبان این اعمال خشونت بار و قتل عام ها وانمود کند نظیر سایر نمایشهای آن سرتاپا دروغ است نامه ها و تلگرامها و اجتماعاتی که بعنوان پشتیبانی از دولت و تأیید کشتار مردم بوسیله مامورین مسلح برقرار میشود صحنه های ساختگی است که بدست کلانترها و مامورین ساواک ساخته میشود. هراسانی با بی نظمی و هرج و مرج مخالف است اما ریشه و اساس همه بی نظمیهای جنگ فساد و اختناق و استبداد رژیم است و بس.

بقیه در صفحه ۴

جنبش

اطاق اصناف غیرقانونی است

مقام سفارت باز گرفته اند و سایر مقامات با نفوذ تقسیم کردند. سالهای دراز مردم با گرانفروشی در همه رشته های کسب و کار عمومی غارت کردند. اطاق اصناف از سرتاپا مخلوق حکومت است. دوره هویدا بود و امروز که کوس رسوائی آن صدا درآمده است باز بدست همین حکومت منتهی از طریق گروه بررسی مسائل ایران مورد عتاب و خطاب قرار میگیرد. در حالیکه حکومت استبدادی زاین نوع مخلوقات حرامزاده غیرقانونی زیاد دارد که همه آثار وجودی آنها جز خیانت و فساد نیست غیر قانونی میباشد. اگر اطاق اصناف زائده ای فاسد و فساد آور است مسئول اصلی آن حکومت استبدادی است. اگر این حکومت دست از فساد و اختناق برندارد آیا از انحلال اطاق اصناف دردی دوا میشود؟ حکومتی که با سماجت در برابر خواستهای استادان دانشگاهها مقاومت میکند حاضر نیست روشفکران و استادان کشور در تعیین سرنوشت شغل ملی خود سهم کند چگونه میتواند فضای سیاسی را بروی آزادی واقعی باز کند؟ اطاق انحلال اطاق اصناف بدون رسیدگی به اعمال متصدیان اطاق اصناف وغارتگران وابسته به آن نظیر یاسینی ها و شیخ بهائی ها که اکنون در مقام نمایندگان ملت در مجلس نشسته اند میتواند گرهی از هزاران مشکل اصناف باز کند؟ آیا همین دزدها نبودند که برای خوش خدمتی در حراج خیریه دروغی شرکت میکردند و با خریدن تابلوها به قیمتهای گران و تقدیم گردنبندهای قیمتی به دربار در جستجوی موقعیتهای بهتری برای غارت مردم بودند؟

روسای اطاق اصناف فعالانتهای خود را متکی به قانون میدانند، در حالیکه سنگ بنای قانونی اطاق اصناف بر اساس تسلط حکومت بر بازار پیشه و وران گذاشته است. اطاق اصناف مخلوق وجود سازمانی بظاهر قانونی برای ایجاد فشار دائمی بر اصناف و استفاده از آنها در تظاهرات ضد ملی و خرد کردن بارزایتهای در داخل اصناف از طریق اعمال فشار بر آنها و مجازات کردن آنها با استفاده از ضوابط قانونی میباشد.

اتاق اصناف با تکیه بر چنین قانونی بوجود آمده و روش کار آنها بر این پایه بود که در برابر اطاعت کورکورانه اصناف از سیاست های فشار دولت دست اصناف را در گرانفروشی و کاهش کیفیت کالا باز بگذارد.

اصناف میبایست در تمام تظاهرات دستوری دولت بحکم اطاق اصناف شرکت کنند، با خرج خود برای سالروزها و اعیان دولتی جشن بگیرند و هر وقت دولت دستور داد در مراسم سیاسی شرکت کنند، تلگرافها و نامه های تشکرو سپاس تقدیم کنند و به عنوان نیروی ملی در تظاهرات ضد آزادیخواهی که دولت ترتیب میدهد حضور بهم رسانند. در اطاق اصناف همه غارتگران و دزدان معروف صنفی شرکت کردند، آنها هم زهیر صنفی بودند و هم از طرف سازمان امنیت بوکالت مجلس رسیدند. افراد نظیر شیخ بهائی و یاسینی میلیونها تومان بنا بالابردن قیمتها و گرانفروشی در تولید و فروش شیشه و سایر مایحتاج عمومی ثروت اندوختند و این ثروتها را با کسانوسی نظیر ارتشبد نصیری که امروز مزد خدمات خود را پس از دریافت بر دستگاه شکنجه سازمان امنیت در

اخراج محمد علی اصفهانی

پس از اخراج غیرقانونی و دستوری روزنامه نگاران چگون بزرگ جعفر، حلال سرفراز، جواد طالعی و چندتن دیگر، نوبت به اخراج نویسنده و روزنامه نگار با ایمان، محمد علی اصفهانی رسید.

جرم اصفهانی ایمان اوست و امضای با ۱۸۲ روزنامه نگار دیگر که علیه اختناق و شانسمور مطبوعات داده است.

وزارت اطلاعات در هر روزنامه عوامل دست نشانده ای گماشته است که روزنامه نگاران شریف را زیر نظر بگیرند و در وقت مقتضی برای آنان با پوش دوزی کنند. اخراج محمد علی اصفهانی از روزنامه کیهان در پی اعتراض به اخراج دوستانشان و برائت بر پوش دوزی عوامل نظامی و وزارت اطلاعات و سازمان امنیت بود اما سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات که با همکاری به اصل موضوع پی برده بود، با یشتوانه، منطق و قانون مطبوعات کارفرما را تحت فشار قرارداد و از اصفهانی دعوت به همکاری مجدد مینهادند و سپس شب روزنامه کیهان شد که این نیز در حقیقت نوعی "تعمیر" بشمار می آید.

خیمه شب بازی دستگیر

هژزردانی

رژیم آدمکش و ضد ملی ایران به موازات حمله های نا جوانمردانه به مردم در تمام شهرها و شهرکها و روستاها که به منظور اعراب و خاموش کردن صدای اعتراض مردم ایران انجام میدهد، با کمصورتی و مصلحت اندیشی متحرکانش شروع به عملیات نمایشی برای آرام کردن مردم ساده لوح کرده و از جمله این کارها توقیف هژزردانی کانگستر مشهور است.

درست در روزی که یزدانی را از ترس چاقو کشان و هفت تیغ بندان با تمهید مقدمات امنیتی فراوان با احترامات به دادگستری بردند، نزدیک به چهارصد نفر از مردم و جوانان معترض را که دستگیر کرده بودند، در همان محلی طایفه پیچ شده به همان دستگیری میکشاندند. رژیم پیوسیده ایران باید بدانند که مردم با صحنه سازیهای چون دستگیری یزدانی از خواستهای بنیادی خود دست نخواهند کشید.

در دانشگاه آریامهر

روزنامه نگاران و بطور کلی بسیاری از آزادیخواهان و آنانکه با اندیشه و قلم سروکار دارند مسئله تازه ای نیست و انتظار می رود که عاملین و دست نشانده گن حکومت استبدادی برای ایجاد دغدغه و هراس در کسانیکه از آنها وحشت دارند، با توسل به هرگونه ساز و کار و نیرنگ، به

حوادث شهرستانها

تعداد حوادث و میزان تلفات از گذشته و زخمی در وقایع جنگ برادر کشی چندنا است که اگر می خواستیم تنها اسامی کشته شدگان روز خمیها و نام شهرهایی را که خبرنگاران ما فرستاده اند بنویسیم، بایستی کتابی منتشر میکردیم که در سرفلوحه آن بی شک نام اصناف و اشخاص گراز بود. از مشروح وقایع در گذشته همه میدانند، نظر "جنبش" را نسبت به این وقایع دردناک در سرفلوحه همین شماره تحت عنوان "آغاز جنگ برادر کشی" می خوانید.

با عرض تسلیت و امید پیروزی برای خانواده های داغدار و هموطنان آزادیخواه.

اعمال ردیلانه تری نیز دست بزنند. بهر حال کسانیکه از مقام شوم عمال حکومت آگاهند، و همواره در جهت اعتراض به آنان میکوشند پشتیبان دائمی اعضا هیئت علمی دانشگاه صنعتی خواهند بود و در موارد زیر با آنها همکاری میکنند:

- ۱- فرمای پذیرش دانشجوران در سطح وسیع در اختیار داوطلبان واجد شرایط قرار خواهند داد.
- ۲- خیرهای اعتصاب دانشگاه را که قلم یزدان مطبوعات - در مسئله متبیت حقیقت - کذب آزادی سربه آسمان برداشته از انعکاس آنها خودداری میکنند - بگوش همگان خواهند رسانید.
- ۳- در تکثیر و توزیع بولتن خبری دانشگاه صنعتی که تاکنون ۱۴ شماره از آن نشر یافته است، کوشش خواهند کرد.
- ۴- پرداخت وام به حساب جاری مشترک شماره (۲۷۷۷) بانک ملی ایران شبه دانشگاه صنعتی آریامهر، واقع در تهران خیابان آیزنهاور (به هر مبلغی که ممکن باشد)